

امروز تکلیف بزرگ‌ترین حراج رانتی شمال شرق کشور مشخص می‌شود؟

عملیات نجات مغان



ابوالقاسم ر حماتی
دبیر گروه جامعه

واقعیت ماجرا این است که هر قدر هم در ارتباط با مصادیق در یک کلان مساله حرف بزنیم و بنویسیم، آن وضعیت مطلوبی که به دنبالش هستیم، حاصل نمی‌شود یا حداقل اینکه به این زودی‌ها حاصل نمی‌شود. بنابراین راهکار منطقی درست که احتمالا می‌توان از آن انتظار نتیجه‌بخشی داشت، راهکاری است که مسائل را ریشه‌ای تحلیل کند. حالا این توضیحات نسبتا طولانی را برای چه چیزی نوشتیم؟ بگذارید از مصادیق حرف بزنم تا مساله روشن شود. هفت تپه، هپکواراک، ماشین سازی تبریز و شرکت کشت‌وصنعت مغان به‌علاوه هزاران مورد و سوزه دیگر همه مصادیقی برای آن چند خط ابتدایی است. مصادیقی برای وضعیت موجود که برای بهبودی آن نیاز به ورود به لایه‌های پایین‌تر از این سوزه‌ها داریم. اصلا همین تعدد و تکرر سوزه‌ها خود نشان دهنده الزام ورود به مراتب دیگری از مساله است. شما پیش‌بینید و تمام موارد مربوط به خصوصی سازی‌ها و واگذاری‌های موجود در کشور را که در صنایع و مسائل مختلف اتفاق افتاده، یک‌بار مرور کنید. اتفاقاتی که ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی رخ داده است. سخت‌ترین کار در این مرور و بررسی، پیدا کردن یک نمونه و مصداق موفق است. یعنی نمی‌توان به راحتی از هزاران مورد واگذاری و خصوصی سازی ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی به تعداد انگشتان یک دست، خصوصا بین موارد کلان و صنایع استراتژیک نمونه موفق پیدا و معرفی کرد و این یعنی همان جمله‌ای که بالاتر گفتیم، یعنی یک جای کار از اساس و پایه ایراداتی دارد که این طور همه موارد آن به بن‌بست رسیده و این سیاست به سمت شکست نهایی پیش می‌رود. نوبتون مساله و بروز و ظهور مصائب و چالش‌ها آن هم در یکی، دو سال اخیر باعث شده است کمتر کسی سراغ این مساله رفته باشد و حتی آنهایی که رفته‌اند نظرات پخته و قابل اتکایی نداشته باشند. علاوه بر این چندوجهی بودن مساله و ابعاد اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ... این ماجرا و عدم وجود تحلیل و آسیب‌شناسی‌های همه‌جانبه هم بر این فضای غبارآلود دامن زده است.

کشت‌وصنعت مغان چگونه حراج شد؟

شرکت مغان، در مصوبه ۸۸/۶/۷ کمیسیون اصل ۱۳۸ قانون اساسی در ردیف ۲۶۴ شرکت‌های مشمول واگذاری قرار گرفت. پس از این اتفاق، براساس مصوبه سیدصوبیست ونهمین جلسه هیات واگذاری مورخ ۹۳/۳/۲۰، ۱۰۰ درصد سهام شرکت مغان مشتمل بر ۴۰ درصد سهام شرکت دامپروری پارس و کسر ۹۶۴۶ هکتار برای شرکت شهرک‌های کشاورزی به‌درخواست وزارت جهاد کشاورزی از طریق مزایده با روش ارزش روز خالص دارایی‌ها به‌قیمت پایه هر سهم ۷۹۱۳ ریال و مجموعا ۲۵۲۳ میلیارد تومان به‌صورت ۱۰ درصد نقد و باقی‌مانده طی هشت‌سال ۱۶ و ۱۶ قسط در ۹۶/۵/۹ عرضه شد که به فروش نرسید.

با فروش نرفتن شرکت، در سیدصوبی وششمین جلسه هیات‌واگذاری مورخ ۹۶/۱۰/۱۶، مصوب شد ۱۰۰ درصد سهام کشت‌وصنعت مغان و ۴۰ درصد سهام دامپروری پارس تفکیک و پس از کسر ارزش ۴۸۸۳ هکتار برای شرکت شهرک‌های کشاورزی به درخواست وزارت جهاد کشاورزی هم‌زمان طی مزایده‌ای به قیمت پایه هر سهم ۶۹۷۶ ریال و مجموعا ۲۲۱۹ میلیارد تومان به‌صورت ۱۰ درصد نقد و باقی‌مانده طی ۱۶ قسط در هشت سال برای کشت‌وصنعت مغان و قیمت پایه هر سهم ۱۶۱۷۵ ریال و مجموعا ۲۱۹ میلیارد تومان به‌صورت ۱۰ درصد نقد و باقی‌مانده طی ۱۲ قسط در ۶ سال برای شرکت دامپروری پارس عرضه‌شود. براساس این مصوبه، سه‌عرضه در تاریخ‌های ۹۶/۱۱/۱۶، ۹۶/۱۲/۲۱ و ۹۷/۱/۲۸ برگزار شد که هیچ کدام به فروش نرسید.

پس از عرضه‌ناموفق چهارم، در سیدص و چهل و دومین جلسه هیات واگذاری مورخ ۹۷/۴/۲۳ پس از خارج کردن و کسر ارزش عرصه و اعیان ساختمان‌های موردنیاز شرکت مادر تخصصی فی‌ریطو کسر ارزش ۱۶۰۰ هکتار برای شرکت شهرک‌های کشاورزی به‌درخواست وزارت جهاد کشاورزی، قیمت هر سهم ۵۵۳۴ ریال و کل ارزش واگذاری ۱۷۶۱ میلیارد تومان به‌صورت ۱۰۰ میلیارد تومان نقد و باقی‌مانده پس از دو سال تنفس، طی ۱۸ قسط در ۹ سال تعیین شد.

سرانجام پس از دوبار نشر آگهی در مزایده‌ای در تاریخ ۹۷/۵/۲ که چهار شرکت توسعه بازار سرمایه تهران، کنسرسیوم شیرین عسل و شرکا، هلدینگ گسترش کشاورزی پارس و نیاک‌آباد صدر در آن شرکت کردند. شرکت نیاک‌آباد صدر به علت عدم پرداخت سیزده شرکت در مزایده از رقابت کنار گذاشته و پاکت آن گشوده نشد و از میان رقبای دیگر، شرکت توسعه بازار سرمایه تهران با پیشنهاد ۱۸۵۱ میلیارد تومان به‌عنوان برنده معرفی شد. شیرین عسل ۱۸۰۲ میلیارد تومان و هلدینگ پارس ۱۷۸۱ میلیارد تومان پیشنهاد داده بودند.

پس از واگذاری به شرکت سرمایه تهران، با بالا گرفتن اعتراض‌های نهادهای امنیتی و نظارتی مثل وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و نیز اتاق تعاون، به‌دنبال مصوبه ۹۷/۷/۲۹ هیات‌وزیران مبنی بر لزوم استعلام نظر وزارت اطلاعات در واگذاری‌ها، وزارت اطلاعات در ۹۷/۸/۱۴ در نامه‌ای به هیات واگذاری خواستار توقف واگذاری شرکت به‌برنده اول شد. به‌دنبال آن، سازمان خصوصی سازی در ۹۷/۹/۱۹ نور دوم مزایده را با قیمت پیشنهادی نفر اول مزایده به‌عنوان برنده معرفی کرده و مهلت یک‌هفته‌ای برای واریز ثمن نقدی معامله تعیین می‌کند. سرانجام پس از واریز ثمن نقدی، در ۹۷/۱۰/۲ مقدار ۹۹.۴۵٪ سهام شرکت به شیرین عسل واگذار شد.

ایرادات و تخلفات وارد بر واگذاری شرکت

به دنبال واریز وجه نقدی معامله توسط شرکت توسعه سرمایه تهران در تاریخ ۹۷/۶/۵ و استرداد سپرده‌های شرکت در مزایده نفر دوم و سوم رقابت توسط سازمان، به علت مخدوش شدن شرایط عمومی مزایده امکان رجوع به نفر دوم مزایده وجود نداشته‌است.	طبق تبصره ذیل ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، «در مواردی که انجام معاملات مستلزم تعیین قیمت عادلانه روز از طرف کارشناس رسمی است، نظریه اعلام شده حاکم‌تر تا ماه ۶ تا تاریخ صدور معتبر خواهد بود.» درحالی‌که حداقل فاصله زمانی تاریخ ارزیابی (۹۷/۱۰/۱) تا تاریخ برگزاری مزایده (۹۷/۵/۲) هفت ماه بوده که نقض کننده ماده فوق‌است.	به علت افزایش شدید قیمت‌ها در آغاز سال ۹۷ که از مصادیق رویداد عمده ذیل تبصره یک ماده فوق‌است، به ارزیابی صورت گرفته خدشه وارد شده و واگذاری به قیمت قبل از تورم، ضرر و زیان هنگفت به بیت‌المال را همراه داشته‌است.	طبق توجیه به اختصاص ۶۰ درصد ارزش کارشناسی‌شده به اراضی (زراعی و باغ‌ها) و ارزش گذاری متوسط هر مترمربع ۳۵۰۰ تومان توسط کارشناس رسمی اراضی، دیوان محاسبات استان اردبیل قیمت اراضی موصوف را در بازه زمانی موردنظر، بیش از دوبرابر ارزیابی کرده‌است. لذا ارزش سهام شرکت در زمان واگذاری حداقل ۶۰۰۰ میلیارد تومان برآورد شده‌است. (دیوان محاسبات)	طبق بند یک ماده ۴ آیین‌نامه شیوه‌های قیمت‌گذاری بنگاه‌ها، در صورت تصویب صورت‌های مالی جدید شرکت، اعتبار قیمت پایه از بین خواهد رفت. لذا سازمان خصوصی سازی برای پیشگیری از این اتفاق، طی نامه‌ای از برگزاری مجمع عمومی جلوگیری کرده‌اند.	بر اساس بررسی صورت‌های مالی، شرکت طی سال‌های ۹۴ تا ۹۴ سودده بوده‌است اما پس از این تاریخ با آغاز فرایند واگذاری، زیان‌ده شده‌است که این امر زمینه واگذاری شرکت در خارج از بورس را فراهم کرده‌است، همچنین در مجمع عمومی شرکت در تاریخ ۸۸/۱۰/۲۰، واگذاری از طریق بورس به تصویب رسیده‌است.	طبق ماده ۴ آیین‌نامه نظام اقساطی، حداقل میزان نقدی دریافتی برای قیمت‌های پایه بیشتر از ۱۰۰ میلیارد تومان، ۱۵ درصد، حداکثر دوره اقساط شده سال و حداکثر دوره تنفس مجاز یک‌سال است که در واگذاری این شرکت، هیچ‌یک از موارد فوق رعایت نشده‌است. مقدار ثمن نقدی حدود پنج درصد، دوره اقساط ۶ سال و میزان تنفس دو سال قید شده‌است.	بر اساس ماده یک دستورالعمل «روش انتخاب مشتریان استراتژیک...» مصوب ۹۳/۵/۲۵، کشت‌وصنعت مغان استراتژیک محسوب شده و واگذاری آن به خریداران استراتژیک موضوع ماده ۳ آیین‌نامه که دارای شرایط «داشتن تخصص و توان مالی، اقتصادی، فنی یا حرفه‌ای متناسب با فعالیت بنگاه» است، از ارجحیت برخوردار است که به این امر در فرایند واگذاری توجهی نشده‌است.	اراضی شرکت منطق بر سند مالکیت، ۶۲۵۹۰ هکتار است که ۲۷۶۷۶ هکتار تحت اختیار شرکت بوده و توسط کارشناسان کشاورزی مورد ارزیابی قیمت قرار گرفته‌است و باقی اراضی داخل محدوده بوده اما لحاظ نشده‌است. شرکت نیز متعهد شده‌است صرفا ۱۵۹۵ هکتار از اراضی را در اختیار شرکت شهرک‌های کشاورزی قرار دهد و نسبت به سایر محدوده تعهدی نداشته و در تملک شرکت باقی خواهد ماند. لذا تکلیف اراضی مورد اختلاف در قرارداد واگذاری معین نشده‌است.
---	---	--	--	---	---	---	---	--

آخرین وضعیت شرکت کشت‌وصنعت مغان

با افزایش اعتراض‌ها به ارزش واگذاری شرکت به قیمت پایین از سوی نهادهای امنیتی و نظارتی، هیات واگذاری در جلسه مورخ ۹۸/۱۰/۹، رای به طرح دادخواست ابطال توسط سازمان خصوصی سازی به هیات داورى موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای بازپس گیری شرکت و بازگشت آن به اموال دولت داد.

سازمان خصوصی سازی در ۹۸/۱۰/۲۵ در لایحه‌ای به هیات داورى، شامل پنج بند (۱) ایرادات مربوط به قیمت سهام، (۲) عدم اعتبار قیمت، (۳) عدم توجه به نظر وزارت اطلاعات و مصوبه ۹۷/۷/۲۹ هیات‌وزیران، (۴) عدم اهلیت خریداران، (۵) عدم رعایت شرایط صحت معاملات حقوقی عمومی؛ خواستار ابطال معامله و بازگشت اموال به دولت شد.

هیات داورى با اکثریت آراء در تاریخ ۹۹/۲/۱۸ رای به ابطال معامله و بازگشت اموال به مالکیت دولت داد. هیات واگذاری در جلسه مورخ ۹۹/۲/۲۲ ضمن تشکیک در مصوبات جلسه مورخ ۹۸/۱۰/۹ هیات واگذاری مبنی بر عدم جمع‌بندی در خصوص بند و مصوبات جلسه، رای به استرداد دادخواست ابطال معامله به هیات داورى از سوی سازمان خصوصی سازی داد. بر اساس قرائن، این مصوبه ناشی از فشارهای مقامات عالی دولتی به وزیران عضو هیات واگذاری بوده‌است.

دادگاه مذکور در تاریخ ۹۹/۵/۱۵ رای هیات داورى را نقض و پرونده را جهت رسیدگی به ماهیت اختلاف و صدور حکم ماهوی به هیات داورى اعاده کرد. برگزاری جلسه هیات داورى متشکل از پنج عضو حقیقی این هیات به صورت مشترک توسط وزیر دادگستری، وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه تعیین می‌شود و دو عضو حقوقی رئیس اتاق تعاون و رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن است. اعضای هیات داورى که امروز در باره سرنوشت شرکت کشت‌وصنعت مغان و این واگذاری پرشبهه و ایراد تصمیم‌گیری می‌کنند عبارتند از: حسن سلیمانی، هوشنگ نادریان، سید ابوالفضل قاضی‌زاده، مسعود خوانساری، عبدالعلی میکوهی، غلامحسین شافعی و بهمن عبداللهی.

چرا وضعیت رسیدگی به پرونده کشت‌وصنعت مغان اینقدر پرتنش دنبال می‌شود؟

اینجا شاید جایی باشد که نتوان همه چیز را نوشت؛ همه چیزهایی که احتمالا بعدتر در رابطه با این واگذاری پرس‌و‌سود منتشر خواهد شد. با این وجود در راستای توضیح چرایی پرداخت به این پرونده بد نیست چند اظهارنظر و چند اتفاق را که البته برای همین چند وقت اخیر است، بررسی کنیم. سید ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه در هفدهمین سفر استانی خود، به استان اردبیل رفت. او در این سفر و در بازدید و پیگیری وضعیت واحدهای تولیدی و در سرکشی از شرکت کشت‌وصنعت مغان در رابطه با ماجرای واگذاری این شرکت گفت: «نکاتی که باید در زمان واگذاری کشت‌وصنعت مغان لحاظ می‌شد، مورد توجه قرار نگرفت و در زمان این واگذاری به اخطارهای صادره از دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و مسئولان قضایی و امنیتی و محلی توجه نشد. باید در زمان این واگذاری، درمورد کشت استراتژیک در اراضی مغان و اشتغالزایی در این شرکت تضمینات لازم اخذ می‌شد. در واگذاری شرکت کشت‌وصنعت مغان نسبت به موضوع کارشناسی، هیات واگذاری، نحوه مزایده و فرایند واگذاری ابهامات و سوالاتی وجود دارد که قابل بررسی است. هیات داورى سازمان خصوصی سازی همچنان که از نامش بر می‌آید باید در قضیه واگذاری صورت گرفته در شرکت کشت‌وصنعت مغان با استناد به اسناد و ادله داورى کند و تحت فشار هیچ مقام و مسئولی قرار نگیرد و در این فرایند گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مسئولان محلی را مورد استناد دهد.» رئیسی در ارتباط با بررسی وضعیت واگذاری این شرکت ۶ دستور صادر کرد که به این شرح است: ۱- فهرست کلیه اراضی، اموال و دارایی‌های شرکت احصا و گزارش کارشناسی آن ارائه شود. ۲- اموال و دارایی‌های شرکت، به‌طور شفاف، کارشناسی و ارزشگذاری شود. ۳- هیات داورى به دور از فشارها و با در نظر گرفتن مصالح ملی و بیت‌المال، در خصوص تایید یا ابطال قرارداد فعلی واگذاری براساس حق و عدل اظهارنظر کند. ۴- قرارداد واگذاری، باید پیوست تخصصی کشاورزی و امنیتی داشته باشد. ۵- هیات مستشاری دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی، در اظهارنظر نهایی خود تسریع کند. ۶- سازمان بازرسی کل کشور در تمامی مراحل نسبت به رعایت قانون، نظارت و مشکافانه و دقیق داشته باشد.» در همین سفر سعید بیت‌غفری معاون فنی و حسابرسی امور اقتصادی و زیربنایی دیوان محاسبات کشور در رابطه با این واگذاری گفت: «دیوان محاسبات کشور در زمان برگزاری مزایده، ایرادات واگذاری کشت‌وصنعت مغان را تعیین کرده و درخواست ابطال و تعویض مزایده براساس روش‌های قانونی را نموده‌است. پس از نامه دیوان محاسبات کشور به سازمان خصوصی سازی، دولت طی نامه‌ای به وزیر امور اقتصادی و دارایی درخواست بازگرداندن نامه دیوان محاسبات کشور با عنوان تشکیک در هیات داورى را کرده‌است ولی دیوان محاسبات کشور طی نامه دیگری اعلام کرد که هیچ تشکیکی وجود نداشته‌است. در فرایند واگذاری باید پیش‌نیازها محقق می‌شد تا سازمان خصوصی واگذاری را انجام دهد. واگذاری بعد از پنج‌بار مزایده در نوبت پنجم عملیاتی شد ولی به دلایلی نفر اول ابطال شد و در زمان واگذاری دوم نیز ابهاماتی از جمله اختلاف عشایر با هیات‌مدیره کشت‌وصنعت ۱۰۰ درصد وجود داشت که باید سازمان خصوصی سازی پاسخگو باشد.» دوشب پیش هم قرار بود رئیس سازمان بازرسی کشور در این رابطه توضیحاتی را در یک برنامه تلویزیونی ارائه کند که این برنامه چند ساعت قبل از پخش لغو شد. گمانه‌هایی مبنی بر فشار گروه‌ها و جریان‌هات ذینفع برای این اتفاق وجود دارد.

دستگاه قضایی اگر بخواهد به وضع واگذاری‌ها رسیدگی کند دولت نمی‌گذارد

همان‌طور که گفتیم تکلیف این شرکت امروز مشخص می‌شود و اگر اعمال نفوذها و فشارها کار ساز واقع نشود، احتمالا پرونده یکی دیگر از پروژه‌های شکست‌خورده خصوصی سازی در مسیر بسته شدن قرار خواهد گرفت. از آنجایی که فشر متضرر از مسیر این واگذاری‌ها و خصوصی سازی‌ها کارگران هستند با حسین حبیبی عضو هیات‌مدیره کانون عالی شوراى اسلامى کار کشور گفت‌وگویی انجام دادیم و او در رابطه با مساله واگذاری و ماجرای شرکت کشت‌وصنعت مغان به «فرهیختگان» گفت: یکی از مسائل مهم در ماجرای واگذاری‌ها و خصوصی سازی‌ها که در قانون هم آمده این است که در این پروسه کارگران هم باید حضور داشته باشند و مشارکت داده شوند. حتی برای آنها سهم پنج درصدی هم در نظر گرفته شده بود. این نشان می‌داد شرکت‌های دولتی که از مصادیق بیت‌المال محسوب می‌شوند مردم هم از آن سهم ببرند. پنج درصد سهام کارگران بود، درصدی به سهام عدالت می‌دادند و این نقش آفرینی مردم در اداره و توسعه شرکت می‌شد که متأسفانه همه اینها نادیده گرفته شد. متأسفانه آن چیزی که با این واگذاری‌ها به جامعه تحمیل شد این بود که واگذاری‌ها به سمنی رفت که صنایع و شرکت‌ها نوعا با تعطیل شدن یا با مشکلات زیادی مواجه شدند. شاید علت این بود که نسبت بدهی‌ها بالا بود و به این موضوع توجه نمی‌کردند یا این شرکت‌ها کالا و گذار شد تا تعطیل شود. خریداران یک‌سری تسهیلات در رابطه با این واگذاری‌ها گرفتند و تسهیلات را به سمنی که خود می‌خواستند و منافع خود آنها در آن بود، بردند. علت این بود که مسیر این واگذاری‌ها درست نبود. مسیر درست نبودن آن به این دلیل بود که در بحث واگذاری‌ها بحث رانت و انحصار طلبی وجود داشت. چون این بحث پیش می‌آید نمی‌توان گفت به سمت خصوصی سازی پیش رفتیم بلکه به سمت خصولتی پیش رفتیم یا به قول برخی به سمت خاص گرایی رفتیم. آنچه در کشت‌وصنعت مغان رخ داد هم تخلص بود. این هم همانند سایر خصوصی سازی‌هایی که در جامعه رخ داد. بالطبع دستگاه قضایی باید ورود کرده و نسبت به این نوع واگذاری و فرایند آن رسیدگی کند و اگر این واگذاری غلط است که بوده دوباره این را به دولت بازگرداند. متأسفانه این اراده اگر از سوی دستگاه قضایی باشد که رسیدگی کند از طرف دولتمردان اراده‌ای برای بازپس گیری نیست. نمی‌خواهند در این موضوع ورود کنند. آنچه مسلم است باید به سمت قانون برویم و قانون هم می‌گوید مداخله که تخلص صورت گیرد و احراز شود در اثر رسیدگی قوه قضائیه باید آن را به دولت بازگردانند. ممکن است اتفاقاتی در این میان رخ دهد مثلا چند ماه حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت کرده و رضایت آنها را جلب کنند و کارگران اظهار رضایتمندی نسبت به واگذاری داشته باشند اما آنچه مهم است این است که آیا این خصوصی سازی درست انجام شده یا خیر، آیا روند واگذاری درست بود؟ یا آیا کارگران هم مشارکت داده شدند؟ آیا بحث سهام عدالت درباره آنها اجرایی شده یا خیر؟ همه اینها را باید در نظر داشت. از همه مهم‌تر اهلیت طرف است. کسانی که نسبت به این واگذاری پیشنهاد هستند یعنی می‌خواهند سهم دولت را خریداری کنند. آیا اهلیت این را دارند؟ توانایی اداره آن شرکت را دارند؟ این ملاحظات و ملزومات اکنون رخ نداده‌است. باید واگذاری‌ها را در قالب مجموعه‌ای دید و نباید به صورت مجزا بررسی شود. تشکیک‌های کارگری ۱۰۰ درصد نسبت به این واگذاری‌ها ایراد و اعتراض داشتند و اعتقاد بر این دارند جامعه ۴۳ میلیون نفری کارگری که بیش از دوسوم جمعیت کل کشور است، در این نوع واگذاری‌ها نادیده گرفته شدند. نادیده گرفتن این تعداد از جمعیت کشور قطعاً توسعه‌ای هم‌روى نمی‌دهد.»

ادامه از صفحه ۱

دقت کرده‌اید چرا در ژاین کمپانی تویوتا، میتسوبیشی، هیوندای و برنده‌های معتبر چندده سال و حدود ۷۰۰۸۰ سال همچنان دوام دارند و ادامه می‌یابند یا اینکه بنیانگذار و موسس آن فوت می‌کند و به وارث می‌رسد، اما منحل نمی‌شود؟ چون در ژاین قانونی وجود دارد که موسسات، کمپانی‌ها و بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی که جنبه ملی پیدا می‌کنند، حتی بعد از فوت، وراث نمی‌توانند هر طور که دل‌شان خواست اعمال نظر و حقوق مالکانه کنند بلکه ضوابط و چارچوب‌هایی دارد و دولت نظارت و هدایت می‌کند. حتی در کشور‌ها لیبرالیستی که داعیه خصوصی سازی و اقتصاد آزاد دارند به صورت لجام‌گسیخته و بی‌دروپیکر و بی‌ضابطه این واگذاری‌ها صورت نمی‌گیرد و دولت نظارت خود را دارد. قطعاً باید در بعد تقنینی، بعد نظارتی، بعد ضمانت اجرای تعهدات بعد از فروش و واگذاری به‌طور جدی تبعیرات و تحولاتی را در این زمینه ایجاد کنیم. البته قوه قضائیه را باید به‌عنوان آخرین مرجع و آخرین نهاد درگیر این مسائل تخلفات و جرائم کنیم هرچند ماده ۳۲ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی گفته قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجرای این قانون شعب خاصی را تعیین کند. من می‌گویم قبل از واگذاری باید همه استعلام‌ها و همه راستی‌آزمایی‌ها و اهلیت‌سنجی‌ها و برآوردهای کارشناسانه امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ابعاد کلان انجام شود. نهادهای نظارتی ازجمله سازمان بازرسی کل کشور، هیات مستشاری دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی حتی در زمان تصمیم‌گیری و واگذاری و امضای قرارداد انتقال، حضور پررنگ داشته باشند، نه بعد از اینکه بیکاری ایجاد می‌شود و اشتغال کاهش می‌یابد و بهره‌وری کم می‌شود و درگیری‌هایی ایجاد می‌شود، این نهاده نظارتی را وارد کنیم و بخواهیم این کار انجام شود. هرچند به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت نابسامانی که گریبانگیر نهادهای دولتی ماست الان قوه قضائیه هم کار قضایی خود را انجام می‌دهد و هم ناچار است خلأ حضور موثر و بی‌تدبیری‌های نهادهای دولتی را به نحوی جبران کند.

